



Research Article

Teaching the *Noble Qur'an* Based on the Ideas of Safā'ii Hā'eri¹

Reza Amirzadeh

Master's Degree, Moral Education, Faculty of Ethics, Higher Education Institute of
Ethics and Education, Qom, Iran. rezaamirzadeh24@gmail.com

Abstract

The most basic purpose of teaching the *Qur'an* is to understand its lessons and to follow its orders. Therefore, teaching the *Qur'an* is a segment in the educational process of humans. The purpose of the present study is to review the *Noble Qur'an* education based on the ideas of Safā'ii Hā'eri. With regard to recognizing indicators of teaching the *Qur'an*, the method of study is descriptive analysis and the quality of the perceptions was validated by semi-structured interviews with the son of the master. Relying on the educational foundations and points extracted from the ideas of 'Ali Safā'ii Hā'eri, teaching the *Qur'an* requires some criteria: Firstly, the educational purposes should be substantiated before the age of puberty so that a person who wants to learn the *Qur'an* would be able to resist offensive ideas and prepare the background to understand educational purposes of the *Qur'an*. Secondly, as a result of puberty and completion of cognitive and rational backgrounds, he/she would be able to understand the necessity of revelation to clarify the reason for referring to the *Qur'an*. Thirdly, after preparation and understanding the necessity of revelation, he/she would be able to go through procedures of perception and comprehension of the Qur'anic insight. Process of perception of the *Qur'an* from the view of Ostād Safā'ii Hā'eri, involves having a thorough grasp of the *Qur'an* which requires the skill of appropriate reciting and basic comprehension of meaning. After having a thorough grasp of the *Qur'an*, it is necessary that in an encounter with the *Qur'an*, he/she starts to learn the process of asking questions and contemplation upon them.

Keywords: Islamic Education, Teaching the *Qur'an*, 'Ali Safā'ii Hā'eri, Qur'anic Education.

1. Received: 2022/03/26 ; Revision: 2022/04/19 ; Accepted: 2022/04/21

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





آموزش تربیت‌محور قرآن کریم بر پایه اندیشه‌های استاد صفایی حائری^۱

رضا امیرزاده

کارشناسی ارشد، تربیت اخلاقی، دانشکده اخلاق، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم،
ایران. rezaamirzadeh24@gmail.com

چکیده

اساسی‌ترین هدف آموزش قرآن، درک معارف و عمل به دستورات آن است. از این‌رو، آموزش قرآن بخشی از فرآیند تربیتی انسان می‌باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی آموزش تربیت‌محور قرآن کریم بر پایه اندیشه‌های استاد صفایی حائری است. روش پژوهش در ارتباط با شناسایی ملاک‌های آموزش تربیت‌محور قرآن، توصیفی تحلیلی بوده که با مصاحبه نیمه ساختاریافته کیفیت احصاء آن‌ها از زبان فرزند استاد اعتباریابی شده است. با تکیه بر مبانی و نکات تربیتی حاصل از اندیشه استاد علی صفایی حائری، آموزش قرآن نیازمند ملاک‌هایی برای تربیتی شدن است. یکم، اهداف تربیتی قبل از بلوغ باید محقق شود تا کسی که می‌خواهد قرآن را یاد بگیرد، بتواند ضمن مقابله با اندیشه‌های مهاجم، زمینه درک اهداف آموزش قرآن را برای پس از بلوغ در خود ایجاد کرده باشد. دوم، به واسطه تحقق بلوغ و کامل شدن زمینه‌های شناختی و عقلانی، ضرورت وحی را درک کند تا برای او علت مراجعه به قرآن روشن گردد. سوم، پس از ایجاد تمهیدات و درک ضرورت وحی، مراحل برداشت از قرآن و فهم معارف را گام به گام طی کند. مراحل برداشت از قرآن از دیدگاه استاد صفایی حائری، ابتدا تسلط است که پیش‌نیاز این تسلط، مهارت صحیح خوانی قرآن و فهم اولیه معنا است. پس از تسلط، لازم است در مواجهه با قرآن، مراحل طرح سؤال و تفکر در سؤالات را فراگیرد.

کلیدواژه‌ها: تربیت اسلامی، آموزش قرآن، علی صفایی حائری، تربیت قرآنی.

۱. تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۱

۱. مقدمه

قرآن کریم اولین و معتبرترین منبع پیروان دین مبین اسلام است که به فرموده خداوند در همین کتاب مقدس «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل، ۸۹)، یعنی روشنگر همه چیز بوده و برنامه کامل زندگی معتقدین به دین اسلام است. با توجه به اعتقاد ما مسلمانان به این کتاب آسمانی، فهم این کتاب و عمل به دستورات آن از مهم‌ترین اهداف تربیت اسلامی محسوب می‌شود. بنابراین، یادگیری قرآن، به معنای صحّت قرائت و فهم معانی آن در سطوح مختلف و بهره‌گیری از این معانی در مقام عمل، در یک جامعه اسلامی بسیار حائز اهمیت است. اکنون در ایران اسلامی، گروه‌ها و نهادهای مختلف رسمی و غیر رسمی به این امر مهم پرداخته‌اند، اما آنچه در مقام عمل مشاهده می‌شود، عدم تناسب ظرفیت‌های به‌کار گرفته شده با خروجی و نتیجه است؛ یعنی با وجود اینکه قرآن یکی از مواد درسی آموزش و پرورش کشور است و همچنین دارالقرآن‌ها و مؤسسات مختلف قرآنی مشغول فعالیت هستند، اما شاهد یادگیری مطلوب قرآن و در نتیجه نهادینه شدن دستورات قرآنی در مقام عمل در عموم مردم جامعه نیستیم. از این رو، دقت و توجه به اصول و معیارهای صحیح تربیتی و آموزشی برای دستیابی به این هدف مهم، امری ضروری به نظر می‌رسد. به همین ترتیب عدم توجه به اصول و عدم رعایت ظرافت‌های اجرایی می‌تواند جامعه ما را از این هدف مهم بازدارد و نه تنها این هدف را در جامعه محقق نسازد، بلکه آسیب‌ها و آثار مخربی در جهت عکس داشته باشد.

پژوهش حاضر ضمن نقد و بیان آسیب‌های شیوه متداول و مرسوم آموزش قرآن در مدارس و مؤسسات قرآنی، به بیان برخی نکات و ملاک‌های تربیتی شدن آموزش قرآن با تاکید بر اندیشه‌های تربیتی استاد صفائی حائری می‌پردازد و در آن مقدمات لازم و مراحل ارتباط با قرآن را که یکی از آن‌ها آموزش است، از جهت تربیتی بررسی می‌کند.

در مورد نقد و بررسی روش آموزش قرآن، پژوهش‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده است؛ اعم از مقاله، کتاب و پایان‌نامه و پیشنهاد‌های روشی زیادی هم مطرح شده است، لکن همه این موارد با دغدغه و هدف پژوهش حاضر تفاوت اساسی دارد. چرا که پژوهش‌های قبلی هیچ یک با دغدغه تربیتی و با رویکرد تربیتی انجام نشده‌اند و صرفاً نکاتی در روش آموزش و همچنین نقدهایی در این حیطه بوده‌اند. بدون توجه به این نکته که قرآن بخش اعظمی از اعتقادات ما مسلمانان بوده و از نظر محتوایی با سایر دانش‌ها متفاوت است. در حالی که همین نکته، مستلزم رعایت قواعد و اصول تربیتی زیادی برای یادگیری قرآن و انس و ارتباط مفید با آن است. برای مثال می‌توان به فصلنامه تحلیلی، آموزشی رشد آموزش قرآن و مقالاتی که در این نشریه به چاپ رسیده است، اشاره کرد که در شماره هشتم آن

گزارشی از نظرات فریدونی به عنوان یک کارشناس قرآنی مطرح شده و ایشان ضمن نقد آموزش عمومی قرآن، راهکارهایی را برای تربیت مربی قرآن بیان می‌کند (فریدونی، ۱۳۸۴). دسته دیگر مقالات، به بیان روش‌های نوین در آموزش قرآن اشاره دارند. پژوهش اخوان مقدم و پیرایش مقدم (۱۳۹۴)، با عنوان آموزش مفاهیم و تفسیر قرآن، با استفاده از تکنولوژی آموزشی و روانشناسی رنگ‌ها، نمونه‌ای از این موارد است. همچنین شمس (۱۳۸۶)، در مقاله آموزش قرآن به روش مسابقه نیز یک پیشنهاد روشی را در حیطه آموزشی بیان کرده است.

با توجه به مقدمه ذکر شده و همچنین مرور پژوهش‌های قبلی، می‌توان گفت که اگر ملاک‌های تربیتی را در آموزش قرآن لحاظ نکنیم، ضمن کاهش بهره از قرآن، ممکن است آسیب‌های جدی مانند بی‌علاقه شدن به قرآن یا کاهش علاقه و انگیزه نسبت به یادگیری قرآن و حتی سؤالات اساسی نسبت به اصل ضرورت ارتباط و انس با قرآن در مخاطب ایجاد شود. برای توضیح این مطلب لازم است به طور اجمالی به مقدماتی اشاره شود:

نخست اینکه، تفاوت چشم‌گیری بین کودک و نوجوان امروزی با نسل‌های گذشته وجود دارد. کودک و نوجوان امروزی در عصری زندگی می‌کند که ذهنش به راحتی در معرض اندیشه‌های مختلف قرار می‌گیرد و به راحتی می‌تواند انبوهی از اطلاعات را به دست آورد، در حالی که در گذشته، بسیاری از کودکان و نوجوانان در محیط‌های محدودی در اطراف خود با اطلاعات محدود و اندیشه‌های محدودی مواجه می‌شدند. در گذشته آنچه را کودک یا نوجوان در خانه و مدرسه می‌دید یا می‌شنید، تقریباً تا سنین ثبات شخصیتی با اندیشه‌های مختلف دیگر مواجه نمی‌شد، اما نوجوان امروزی در چنین شرایطی زندگی نمی‌کند، و به اصطلاحی که توضیح آن در ادامه خواهد آمد، در «محیط باز تربیتی» در حال زندگی کردن است.

مقدمه دوم این است که تغییر در شرایط و حالات مخاطب، تفاوت در روش و مدل تربیتی و آموزشی را می‌طلبد؛ به این صورت که وقتی می‌خواهیم نوجوان امروزی را با شرایطی که مطرح شد، با قرآن مرتبط سازیم و او را به سمت یادگیری قرآن و همچنین عمل به دستورات آن سوق دهیم، در چنین شرایطی تغییر روش‌های تربیتی، ضروری به نظر می‌رسد و باید متناسب با این شرایط جدید، با او کار شود.

مسئله اصلی پژوهش حاضر عدم توجه به این دو مقدمه در آموزش‌های متداول قرآنی است و به همین جهت به دنبال نکته‌ای که در مقدمه دوم ذکر شد، می‌خواهیم روش‌هایی را مورد بررسی قرار دهیم که این تناسب را از جهت تربیتی با مخاطب برقرار کند. استاد علی صفایی حائری در مبانی تربیتی‌شان به این دو مقدمه توجه ویژه‌ای داشته‌اند. بنابراین، بر اساس دیدگاه‌های ایشان می‌توان ضمن نقد مدل‌های

آموزشی متداول قرآن، چه در نظام تعلیم و تربیت رسمی کشور و چه در نهادهای غیر رسمی، ملاک‌هایی را برای تربیتی شدن این قبیل آموزش‌ها ارائه داد؛ آموزش‌هایی که تربیتی نبودن آن‌ها مساوی با آسیب به زیست دینی قرآن‌آموزان است.

۲. اهداف پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، یافتن ملاک‌های آموزش تربیت‌محور قرآن کریم با توجه به دیدگاه‌های تربیتی استاد صفائی حائری به عنوان یک اندیشمند حوزه تربیت اسلامی است. در ضمن این هدف اصلی، اهداف دیگری به عنوان اهداف فرعی هم دنبال می‌شود که عبارتند از:

- تبیین برخی مبانی تربیتی استاد صفائی حائری که به عنوان مقدمه برای کشف ملاک‌های آموزش تربیت‌محور قرآن مورد نیاز است.
- تبیین مراحل روش برداشت از قرآن از نگاه استاد صفائی حائری که برای فهم بهتر ملاک‌های مطرح شده در پژوهش به آن‌ها اشاره خواهد شد.
- تطبیق سیره عملی استاد صفائی حائری با آراء تربیتی ایشان که به کمک مصاحبه با فرزند ایشان محقق خواهد شد.

۳. روش پژوهش

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که بر اساس دیدگاه و سیره تربیتی استاد صفائی حائری رعایت چه ملاک‌هایی در تربیتی شدن فرآیند آموزش قرآن موثر می‌باشد؟ برای پاسخ به این سؤال، در دو بخش به تبیین یافته‌ها می‌پردازیم. در بخش اول با استفاده از مرور آثار استاد، مباحث نظری مطرح شده توسط ایشان مورد بررسی قرار گرفته و در بخش دوم در مصاحبه با حجت الاسلام موسی صفائی حائری، فرزند استاد صفائی حائری، به بررسی مسئله در سیره عملی استاد خواهیم پرداخت. روش پژوهش در دو بخش مذکور توصیفی-تحلیلی و مصاحبه عمیق و غیرساختارمند بوده است.

۴. تبیین مبانی و روش تربیتی استاد صفائی حائری

۴-۱. دو مرحله‌ای بودن زندگی انسان

اولین و مهم‌ترین مبنای تربیتی استاد صفائی حائری، تقسیم زندگی انسان به مرحله قبل از بلوغ و بعد از بلوغ است. به طوری که ایشان تحقق انسانیت انسان را منوط به بلوغ می‌دانند. «اسلام، انسان را

در دو مرحله بررسی می‌کند. در یک مرحله انسان وابسته به وراثت، محیط زندگی و شرایط اجتماعی و تاریخی است. هنوز به وجدان نرسیده، و خود را احساس نکرده، خودآگاه نیست. وجدان یعنی درک انسان از خودش و احساس انسان و یافتن انسان خود را. در مرحله دوم، انسان، انسانی است که به بلوغ رسیده خودش را می‌شناسد؛ چون گذشته از غرایز و احساسات و گذشته از تخیل و توهم و تفکر، انسان به آن عنصر نهایی شخصیت خودش راه یافته و عقل در او شکل گرفته است» (صفائی حائری، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۱).

با توجه به مطالب فوق، بلوغ در ادبیات استاد به معنای خودشناسی و آگاهی از استعدادها و مهارت استفاده از آنها است. با توجه به تفاوت در دوران قبل و بعد از بلوغ، ایشان تربیت انسان را نیز دو مرحله‌ای و متناسب با قبل و بعد از بلوغ در نظر می‌گیرند. به همین دلیل اهدافی را که قبل از بلوغ برای تربیت کودک در نظر می‌گیرند، با اهداف پس از بلوغ متفاوت بوده و قبل از بلوغ دوره‌ای است که آماده‌سازی‌ها و تمهیدات برای بلوغ و انسانیت انجام می‌شود. لازم به ذکر است که منظور ایشان از بلوغ، بلوغ سنی یا جسمانی نیست، بلکه به معنای زمانی است که انسان توانایی انتخاب را با استفاده از استعدادهای خود داشته باشد؛ زمانی که به تعبیر قرآن، به مرحله تسویه رسیده باشد. «این نکته دقیق است؛ دوره تسویه انسان از بلوغ به بعد شروع می‌شود و این بلوغ را با بلوغ تقویمی و بلوغ اندام‌های انسان نباید اشتباه کرد» (صفائی حائری، ۱۳۹۵ الف، ص ۴۸-۴۷).

۴-۲. محیط‌های تربیتی

مبنای دیگری که در مباحث تربیتی استاد صفائی حائری دیده می‌شود، بحث محیط‌های تربیتی است. ایشان در این بحث، محیط‌های تربیتی را به سه دسته تقسیم می‌کند: محیط بسته، باز یا متضاد و محیط متحرک. توجه به این محیط‌های تربیتی، تأثیری بسیار اساسی در روش تربیتی خواهد داشت. همان‌طور که در مقدمه هم اشاره شد، توجه به اینکه شرایط زندگی اجتماعی و سبک زندگی کنونی ما کدام یک از محیط‌های تربیتی را برای ما شکل داده است، باعث می‌شود در به‌کارگیری روش تربیتی دقت شود و شیوه‌ای متناسب با محیط اتخاذ گردد. با در نظر گرفتن عصری که در آن زندگی می‌کنیم، محیط باز یا متضاد تربیتی برای متریان یا فرزندان ما شکل گرفته و لازم است متناسب با شرایط و اقتضائات محیط باز تربیتی، روش مناسبی انتخاب شود. برای روشن شدن این مطلب، به توضیحاتی که استاد صفائی حائری در بحث محیط‌ها، در آثارشان داشته‌اند، اشاره خواهد شد. «گاهی محیط، محیط بسته است و یک فکر بیشتر در آن جریان ندارد. کودک از مادرش، از پدرش، از برادرش و از تمامی دوستان، چیزی را

می‌شنود که در مکتب می‌شنود و از استادان می‌شنود» (صفائی حائری، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۷).

«محیط باز، محیط سرشار از تضاد و درگیری است، محیطی است که فکرهای گوناگون با کودک روبه‌رو می‌شوند» (صفائی حائری، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۷). همچنین «در چنین محیطی نمی‌توان برای کودک، ارزش‌ها و یا خصلت‌ها را دیکته کرد و حرف‌ها را مطرح نمود. آنچه امروز در ذهن بچه می‌نشیند، فردا پاهای سنگین رهگذران نمی‌گذارند در وجود او جوانه بزند، خشکش می‌کنند، از ریشه درش می‌آورند و حتی تخم نفرت را به جای این بذر کهنه می‌کارند» (صفائی حائری، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۸).

محیط متحرک، محیط ایده‌آلی است که اینگونه توضیح داده شده است: «هنگامی که جامعه تضادهایش را حل کرد و به حرکت پیوند داد، آن وقت امنیت اجتماعی و تسلط روانی، کار تربیت را ساده‌تر خواهد کرد. فکر مسلط و مذهب مسلط که در عمل تجربه شده و از درگیری‌ها سرفراز بیرون آمده، پذیرفته می‌شود و در این روحیه‌های آماده و تشنه که از درگیری‌ها فرسوده و خسته شده‌اند، قرار می‌گیرد. مگر آنکه در عمل دوباره نارسایی‌ها احساس شود و شکست مکتب سابق نمودار گردد و یا اینکه تبلیغات و وسوسه‌ها با دروغ‌های راست و راست‌های دروغ و ترکیب‌های حق و باطل، این شکست و نارسایی را تبلیغ کنند» (صفائی حائری، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۸).

بنابراین، ویژگی مهم محیط باز تربیتی، وجود اندیشه‌های مخالف و درگیری ذهن کودک و نوجوان با اندیشه‌های دیگر بوده که این درگیری اندیشه‌ها، برخلاف محیط بسته و محیط متحرک، در سطح جامعه حل نشده است؛ یعنی تنها صدای واحدی به گوش او نمی‌رسد، بلکه درگیر با اندیشه‌های مختلف بوده و این درگیری در سطح اجتماعی حل نشده است و باعث می‌شود توانیم قبل از بلوغ، یک اندیشه را به راحتی در ذهن او شکل دهیم.

استاد صفائی حائری معتقد است که در چنین شرایطی اگر به خیال اینکه اندیشه مخالفی وجود ندارد، ارزش‌ها را برای کودک دیکته کنیم، بدون اینکه به طور دقیق آن را شناخته و پذیرفته باشد، در آینده هنگام مواجهه با حجم‌های اندیشه‌های مخالف، از این ارزش‌ها رویگردان می‌شود و گاهی هم با نفرت به ارزش‌های پیشین خود نگاه می‌کند. وضعیتی که ما اکنون در بسیاری از جوان‌ها و نوجوان‌ها می‌بینیم که خانواده مذهبی است، اما فرزندان آن‌ها به مذهب گرایش ندارند و در برخی موارد حتی از آن تنفر داشته و کاملاً با پدر و مادر تفاوت پیدا کرده‌اند. علت این امر، تغییر و تحولات سبک زندگی و ورود ما به عصر جدید تربیتی با محیط باز و عدم تغییر روش‌های تربیتی والدین، معلمان و مربیان و همچنین نظام تعلیم و تربیت است. در نتیجه، در تربیت کودک و نوجوان ملاحظه محیط‌های تربیتی، امری مهم تلقی می‌شود که روش‌های متناسب با خود را می‌طلبد.

۴-۳. تفاوت‌های روش تربیتی قبل از بلوغ و بعد از آن

بر اساس دو مبنای مذکور که نکاتی در مورد آن‌ها مطرح شد؛ یعنی تقسیم‌بندی زندگی انسان به قبل و بعد از بلوغ و همچنین محیط باز تربیتی، استاد صفائی حائری از روشی استفاده می‌کند که هم متناسب با محیط باز تربیتی است و هم دو مرحله‌ای بودن زندگی انسان را در آن لحاظ کرده‌اند. ایشان روش مناسب تربیتی را در محیط باز و قبل از «بلوغ عقلانی» و رسیدن به مرحله «تسویه»، روش مصون‌ساز می‌داند؛ روشی که کودک را در مقابل هجوم‌ها و اکسینه‌ها کند تا به مرحله‌ای برسد که بتواند با سنجش و تعقل، انتخاب کند. «باید او را واکسینه کرد تا در محیط‌های مخالف، محیط‌های فساد، اثر محیط بر روی او اثر مثبت و سازندگی و مبارزه باشد، همان‌طور که مزاج واکسینه در برابر حمله میکروب‌ها مبارزه می‌کند و نیرومند می‌شود» (صفایی حائری، ۱۳۹۵، ص ۴۵).

برای تحقق این مصونیت، ایشان سه هدف مهم که ایجاد سه خصلت ضروری است را مدنظر قرار می‌دهند که در آثار مختلف خودشان نیز به آن‌ها اشاره کرده‌اند. «مربی باید در کودک سه خصوصیت را بارور کند و اینگونه او را واکسینه نماید: شخصیت و استقلال، حریت و آزادمندی و تفکر و تحلیل. وقتی کودک شخصیت داشته باشد، تقلید نمی‌کند و تحت تأثیر هر حرف و مکتب و هر عقیده‌ای قرار نمی‌گیرد و هر راهی او را به خود نمی‌کشد و هر سنتی او را در خود هضم نمی‌کند. حریت و آزادمندی، کودک را می‌سازد تا اگر روزی به اشتباهی پی برد، پیگیری نکند و لجاجت نرزد و عقیده‌ای را بر عقیده‌ای دیگر ترجیح ندهد، مگر هنگامی که از رجحان و امتیازی برخوردار باشد. تفکر و تحلیل، آن هم در زمینه حریت و آزادی، و با خصوصیت شخصیت و استقلال، به نتیجه‌های بزرگی خواهد رسید. تفکر، رکودها را می‌شکند، هرگونه عقیده سنتی مهاجم را می‌زند و تحلیل می‌برد و هضم می‌نماید» (صفایی حائری، ۱۳۹۵، ص ۴۶-۴۵).

این سه خصلت در محیط باز تربیتی، کودک را از مشکلات تربیت سنتی و تلقینی مصون می‌سازد تا زمینه بلوغ و رسیدن به مرحله تسویه فراهم شود. بنابراین، دادن شناخت و اطلاعات بدون ایجاد قوه تحلیل یا دیکته کردن ارزش‌ها بدون تحقق زمینه مناسب در کودک و نوجوان، باعث می‌شود در محیط باز تربیتی، این شناخت‌ها و ارزش‌ها، مورد هجوم قرار بگیرد و اثر عکس داشته باشد. ممکن است والدین این اشکال را مطرح کنند که ما همین‌گونه تربیت شدیم، از اول به مکتب رفتیم، قرآن و احکام و عقائد دین را یاد گرفتیم و تا آخر عمر به آن معتقد مانده‌ایم. در پاسخ به این عزیزان، نخست باید گفت که محیط تربیتی عصر خود را با محیط کنونی مقایسه کنید. خواهید دید که کودک شما به راحتی می‌تواند انبوهی از اطلاعات و هجوم‌های اندیشه‌ای را در چند دقیقه پیدا کند. در ادامه باید به آن‌ها

گفت که آیا می‌توانید آن دسته از عقائدی که برای شما در مکتب گفته شده را بدون شک و شبهات عصر حاضر برای کودک خود بیان کنید. به طور قطع بسیاری از آن‌ها نمی‌توانند از آن اطلاعات دفاع کنند، اما چون دیگر زمینه تغییر نگرش در آن‌ها از بین رفته است، هنوز بر عقیده خود ثابت قدم هستند، ولی این روش را نمی‌توان برای کودک و نوجوان عصر حاضر پیش گرفت. پس از بلوغ، نوجوان این توانمندی را دارد که با شکل‌گیری و تقویت عقلانیت و سایر استعدادهایی که در خدمت عقلانیت او است، به انتخاب صحیح برسد و زمینه دستیابی به شناخت‌های اساسی‌تر و انتخاب در او فراهم است.

۵. ملاک‌های تربیتی آموزش قرآن

آموزش قرآن به عنوان یکی از مصادیق مهم آموزش دین و مذهب در کلام استاد صفائی حائری قلمداد می‌شود و لازم است نکاتی که در قسمت قبلی به آن‌ها اشاره شد، درباره آموزش قرآن نیز مرور شود. بدون شک یاد دادن قرآن، در سطوح مختلف از مرحله قرائت، صحیح خوانی و حفظ تا فهم معانی و معارف که شامل فنون ترجمه و تفسیر می‌شود، همگی زمینه‌های عمل به معارف قرآن هستند، اما تمامی سطوح آموزش قرآن نیازمند مقدمات و زمینه‌هایی است. حتی سطح آموزش مهارت‌های صحیح خوانی و قرائت قرآن نیز اگرچه یک مهارت است و به معارف مربوط نمی‌شود، اما چون با نام مقدس قرآن کریم همراه است، به محتوای آن گره می‌خورد و نمی‌توان آن‌ها را از یکدیگر تفکیک کرد؛ یعنی هنگام آموزش، فرزند، دانش‌آموز یا مربی ما هر گرایشی داشته باشد، این گرایش را نسبت به تمام قرآن پیدا می‌کند. اگر با علاقه آن را یاد بگیرد، نگاهش به کل قرآن این‌گونه خواهد بود و اگر با اجبار آن را یاد بگیرد، نگاهش به کل قرآن و معارف قرآنی این‌گونه خواهد بود. پس، تا زمانی که انگیزه کافی برای یادگیری قرآن در مخاطب ایجاد نشده باشد، زدگی می‌آورد. اما نکته مهم این است که حتی اگر با ضمیمه کردن هنرها و مهارت‌های جذاب‌سازی در آموزش قرآن، علاقه و گرایش را ایجاد کنیم، با توجه به اینکه محتوای قرآن، عمده یا بلکه همه معارف دینی ما است و در محیط باز تربیتی هجمه‌های اندیشه مخالف وجود دارد و بسیار هم فعال است، نمی‌توان قرآن را بدون درک جایگاه هدایت‌گری آن، به کودک آموزش داد. با این مقدمه، در ادامه پژوهش حاضر، مقدمات و ملاک‌های تربیتی در آموزش قرآن، با توجه به مبانی تربیتی مذکور بررسی می‌شود.

۵-۱. تحقق اهداف زمینه‌ای قبل از بلوغ

گفته شد که دوران قبل از بلوغ، دورانی است که انسانیت انسان، به طور کامل محقق نشده است و استعداد‌های او که زمینه تعقل، سنجش و در نتیجه انتخاب را برای او فراهم می‌کند، هنوز به شکوفایی

نرسیده است. بنابراین، لازم است اهداف زمینه‌ای قبل از بلوغ، پیش از رسیدن او به بلوغ و شکوفایی استعدادها، فراهم شود. تحقق این اهداف خصوصاً «شخصیت و استقلال» و «تفکر و تحلیل»، ضمن مصون‌سازی کودک و نوجوان و دفع خطر حجمه‌های اندیشه‌های مخالف، به او کمک می‌کند تا زمینه را برای شناخت‌های مورد نیازش فراهم کند؛ چرا که یادگیری روش تفکر باعث می‌شود بتواند به شناخت‌ها دست پیدا کند و بر اساس آن شناخت‌ها در آینده، سنجش و سپس انتخاب کند. موضوع آموزش قرآن با توجه به اینکه به طور مستقیم با اندیشه دینی مرتبط می‌شود، نیازمند مقدماتی است. برای مثال باید با تقویت دستگاه تفکری کودک و نوجوان، امکان فهم معارف، بعد از بلوغ، برای او فراهم شود و همچنین تا زمانی که به بلوغ نرسیده است، بتواند از حجمه‌ها مصون بماند.

۵-۲. درک ضرورت ارتباط با وحی

مقدمه‌ای که برای آموزش قرآن، خصوصاً در سطح ترجمه و تفسیر یا فهم معارف ضروری است و تا این مقدمه محقق نشود، نمی‌توانیم این آموزش را مؤثر بدانیم، درک ضرورت ارتباط با وحی در مخاطب است.

ممکن است با نگاه دقیق‌تر، ضرورت این مقدمه در سطح آموزش مهارت‌های قرائت و حفظ قرآن کم‌رنگ‌تر از سطح مفاهیم و معارف به نظر برسد، اما با توجه به عدم امکان تفکیک بخش‌های مختلف آموزش قرآن توسط عموم مخاطبان، نمی‌توان اثر این مقدمه را در آموزش مهارت‌های قرائت و حفظ نادیده گرفت؛ یعنی اگر روزی برسد که نسبت به معارف دین و قرآن، سوال یا اشکالی به ذهنش برسد و نتواند آن را حل کند، قطعاً نسبت به یادگیری قرائت قرآن یا حفظ قرآن و وقتی که برای آن گذاشته است هم احساس خسارت و پشیمانی می‌کند. البته ممکن است مسئله انگیزه را در آموزش مهارت‌ها، با جذاب‌سازی شیوه آموزش، بتوان تا حدی جبران کرد، اما باز هم این انگیزه‌سازی مقطعی و سطحی است و ماندگار نخواهد بود؛ زیرا آسیب‌های محیط تربیتی، باز هنوز وجود دارد. پس، اگر در محیط باز تربیتی، این آموزش قرآن با روش جذاب، اما بدون ایجاد اهداف تربیتی مذکور باشد و همچنین پس از بلوغ به درک ضرورت ارتباط با وحی نرسد، باز هم احتمال زیادی دارد که تحت تأثیر حجمه‌های اندیشه‌های مخالف قرار بگیرد. در این صورت، یا احساس علاقه‌ای که با جذابیت‌های روشی در دوران کودکی برایش ایجاد شده است، به نفرت تبدیل می‌شود، یا در بهترین حالت نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت خواهد بود. در نتیجه احساسی جدی به تداوم ارتباط با وحی در هیچ یک از سطوح نخواهد داشت. «اکنون با صراحت می‌گویم، قدم اول، شرط اول، برای برخورد با قرآن، همین احساس، همین درک

ضرورت است. بدون این احساس، برخورد با قرآن به صورت سرگرمی و بازی درمی‌آید و از آنجا که با عادت و جو حاکم در ما رخنه کرده، بی‌بار و نفرت‌زا می‌گردد» (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۶).

۵-۳. گام به گام پیش رفتن در آموزش قرآن

بعد از بحث از ضرورت ایجاد اهداف زمینه‌ای و درک ضرورت ارتباط با وحی، ملاک دیگری که در آموزش قرآن باید مورد توجه قرار گیرد، گام‌های آموزش قرآن و ارتباط با کلام وحی است؛ یعنی بعد از ایجاد اهداف قبل از بلوغ و درک ضرورت ارتباط با قرآن، باید گام‌هایی برای آموزش قرآن در نظر گرفت و گام به گام پیش رفت؛ چرا که عدم رعایت این ملاک باعث می‌شود وارد مرحله‌ای از آموزش شویم، در حالی که پیش‌نیاز آن وجود ندارد.

همان‌طور که در مقدمه مطرح شد، اگر غایت و هدف نهایی در آموزش قرآن، در حیطه اهداف بینشی «درک معارف» قرآن باشد، مراحل برای آن وجود دارد که باید مطابق آن‌ها پیش رفت، مانند توان قرائت صحیح قرآن یا انس با عبارات آن و تسلط بر آن. پس، نمی‌توان از همان ابتدا وارد تفسیر و فهم قرآن شد و این کار نیازمند مقدماتی است. بنابراین، متناسب با مراحل که ایشان در روش برداشت از قرآن مطرح می‌کنند می‌توان گام‌های آموزش را مشخص کرد.

۶. مراحل و روش برداشت از قرآن

گفته شد که ملاک مهم در تربیتی شدن آموزش قرآن این است که مخاطب با زمینه‌سازی مربی، خودش به ضرورت وحی و ارتباط با قرآن برسد. استاد صفائی حائری در مقدمه چند جلد کتاب تفسیری خود تحت عنوان «تطهیر با جاری قرآن» پس از تاکید بر این مقدمه یا شرط یا بنابر تعبیری که در پژوهش حاضر مطرح شد، یعنی ملاک، به بیان مراحل مراجعه به قرآن و بهره‌گیری از وحی می‌پردازند و مخاطبی که می‌خواهد به قرآن مراجعه کند، لازم است این روش را یاد بگیرد. در واقع این مراحل بیانگر روش برداشت از قرآن و روش دستیابی به هدف غایی ما از ارتباط با وحی است.

پرداختن تفصیلی به روش برداشت از قرآن طبق نگاه استاد صفائی حائری، بحثی دقیق و مفصل بوده و خود نیازمند پژوهشی جداگانه است که در این پژوهش مجال پرداختن به آن نیست، اما به صورت اجمالی به مراحل که ایشان به طور کلی در فهم و برداشت از قرآن بیان می‌کنند، اشاره می‌شود. ایشان ضمن نقد به روش‌های تفسیری مرسوم، به این مسئله می‌پردازند که آیا رسول خدا(ص) نیز اینگونه قرآن را برای مخاطبین مطرح می‌کردند؟ آیا همین گونه به تفسیر می‌پرداختند؟ «این سیره رسول و تاریخ او است. او درس تفسیر نمی‌گذاشت، این طور که ما کلاس تفسیر و نهج‌البلاغه و ایدئولوژی و

شناخت مکتب می‌گذاریم. آنچه بود تلاوت آیه‌ها بود: «یتلوا علیهم آیاته» (جمعه، ۲)، «یتلونه حق تلاوته» (بقره، ۱۲۱)» (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲).

«اگر قرآن در جایگاه خودش مطرح شود و حق تلاوتش ادا شود، احتیاج به توضیح و تفسیر ندارد و اگر در جای خودش نشیند و مخاطب خودش را نیابد، آن وقت تحریف شده و منحرف گردیده است، «یحرفون الکلم عن مواضعه» (مانده، ۱۳). تحریف نه زیاد کردن بر قرآن و نه کم کردن از قرآن است، تحریف همین جایگاه‌ها را به هم زدن و موضع‌ها را نادیده گرفتن است» (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۲).

بنابراین، ایشان تلاوت را کلید ارتباط با قرآن مطرح می‌کنند که مقدمه این تلاوت، به طور طبیعی توان صحیح خواندن قرآن و فهم اولیه معنا است. اما آنچه در این تلاوت مهم است، به جا بودن و تناسب با مخاطب است. با این توضیحات، مراحلی که طبق نظر ایشان پس از درک ضرورت وحی که مقدمه است، باید در نظر گرفته شود، مراحلی است که امکان این تلاوت به جا و در جایگاه مناسب را فراهم کند. در ادامه ضمن بیان مراحل روش برداشت از قرآن، نیازمندی آموزشی آن برای مشخص کردن گام‌های آموزشی قرآن که مرتبط با موضوع پژوهش حاضر است، توضیح داده می‌شود.

۶-۱. مهارت قرائت (صحیح خوانی) قرآن

اولین مرحله‌ای که استاد صفائی حائری در روش برداشت از قرآن مطرح می‌کنند، قرائت قرآن و کثرت قرائت است؛ برای دستیابی به مرحله بعد یعنی تسلط. «این همه دستور به قرائت قرآن و حتی برای کسانی که سواد ندارند، دستور به نگاه کردن به قرآن، ما را به این فکر می‌اندازد که این نگاه، مقدمه قرائت و این قرائت، مقدمه تسلط و این تسلط، مقدمه دستیابی به معنا و تفسیر و مقدمه دستیابی به روح قرآن و مقدمه رسیدن و بهره‌برداری از نور قرآن است». ایشان نتیجه این قرائت را نیز اینگونه توضیح می‌دهند: «بوده‌اند کسانی که در شبانه‌روز یک ختم قرآن می‌کردند و یا در سه روز یا بیشتر و کم‌تر به قرائت تمام قرآن موفق می‌شدند. این قرائت برای کسانی که چنین هدفی دارند (تسلط، فهم معنا و...)، دیگر یک امر خسته‌کننده و تکراری نخواهد بود، چون با هر مرتبه تکرار به یک نوع تسلط وسیع‌تر دست می‌یابند. نتیجه این قرائت‌های مداوم این است که کلمه‌های قرآن و سپس ترجمه قرآن برای آن‌ها، آشکار می‌شود و آنگاه می‌توانند مصداق‌های مجهول را در یک جا بنویسند تا با آیه‌های دیگر، آن را تفسیر کنند و آیه‌های مشکل را همین طور بررسی نمایند» (صفایی حائری، ۱۳۹۲، ص ۶۳). با توجه به این مرحله، از روش برداشت از قرآن، آموزشی که زمینه‌ساز این مرحله است، آموزش «مهارت‌های قرائت قرآن» است.

۶-۲. فهم اولیه معنا

گام دوم در روش برداشت از قرآن که به کمک کثرت قرائت و انس با قرآن حاصل می‌شود، «تسلط» (صفایی حائری، ۱۳۹۲، ص ۵۹-۶۳) بر قرآن است؛ تسلطی که پیوسته در حال افزایش است. آنچه که در این تسلط به عنوان نیازمندی آموزشی مطرح است، مهارت فهم اولیه‌ای از قرآن بوده که می‌تواند با کثرت مراجعه به ترجمه یا شناخت معنای لغات و ادبیات عرب حاصل شود «در قسمت ترجمه و درک مفهوم آیه، به چیزی بیش از درک زبان نیاز نیست، که قرآن به زبان مردم است و آن‌ها می‌توانند مفهومی را درک کنند» (صفایی حائری، ۱۳۹۲، ص ۵۷). بنابراین، به کمک فهم اولیه معانی قرآن و همچنین با کثرت قرائت می‌توان به تسلط رسید و آیاتی که ناظر به یکدیگر هستند را به کمک این تسلط شناسایی کرد و در تفسیر از آن استفاده نمود.

۶-۳. آموزش روش برداشت از قرآن

از گام سوم به بعد در روش برداشت از قرآن، گام‌های اصلی فهم قرآن شروع می‌شود که استاد صفائی حائری به ترتیب از مراحل «طرح سوال»، «تفکر در آیات» و روش صحیح هر یک از آن‌ها بحث می‌کند. به این ترتیب نیازمندی آموزشی در این مرحله، آموزش روشمند مراحل مذکور است. در پایان، توجه مجدد به این نکته ضروری است که بحث از روش برداشت از قرآن، باید به صورت تفصیلی در آثار قرآنی استاد صفائی حائری بررسی شود، اما پژوهش حاضر به دنبال بحث تفصیلی از روش برداشت نیست. نگاه کلی ایشان به بحث تفسیر و فهم معارف قرآن، تا جایی که به روشن شدن ملاک‌های تربیتی آموزش قرآن کمک می‌کند، مطرح شده است.

۷. بررسی ملاک‌های تربیتی آموزش قرآن در مصاحبه با حجت الاسلام موسی صفائی

حائری فرزند استاد صفائی حائری

سؤال: سیره عملی استاد صفائی حائری در آموزش مسائل مذهبی، به ویژه آموزش قرآن به فرزندان چگونه بود؟ آیا خود ایشان به شما قرآن را آموزش می‌دادند؟ یا مثلاً شما را به کلاس آموزشی می‌فرستادند؟

«مرحوم پدر ما بیشتر فضا و شرایطی را فراهم می‌کردند که خود بچه‌ها، در آن شرایط انتخاب کنند. اهداف قبل از بلوغ، یعنی شخصیت، حریت و تفکر که در آثار ایشان هم وجود دارد را ایشان نسبت به ما (خانواده استاد) عملیاتی می‌کردند. در حوزه مسائل مذهبی مثل نماز و قرآن و... یادمان هست که اینگونه نبود که ما را رها کنند و اینگونه هم نبود که به ما تحمیل کنند و فشار بیاورند. ما خودمان شاهد

بودیم که خانواده‌های مذهبی هم‌دوره ما بودند که فرزندانشان لامذهب بودند و علتش هم این بود که فشارها و تحمیل‌هایی که شاید از دوران قبل از بلوغ آغاز شده بود، باعث این اتفاق گردید. ایشان ما را آزاد می‌گذاشتند، اما شرایطی را هم فراهم می‌کردند که انتخاب کنیم، یعنی اینگونه نبود که ارثی یا سنتی یا عاطفی، دین و مذهب را از پدر و مادر یاد بگیریم. مثلاً برای نماز خواندن در دوران قبل از بلوغ، ما را رها نمی‌کردند، اما روش ایشان این نبود که بچه‌ها را برای نماز صبح صدا بزنند و معتقد بودند که تکلیفی نداریم که بچه‌ها را بیدار کنیم، اما تکلیفی هم نداریم که آن‌ها را رها کنیم. یادم می‌آید که گاهی با صدای گریه‌ها و نجوای شبانه ایشان از خواب بیدار می‌شدیم، یعنی الگو بودند و شرایطی را فراهم می‌کردند که ما این فضا را لمس کنیم. از طرفی هم در انتخاب کردن آزاد بودیم. مثلاً یکی از برخوردهای ایشان، این بود که چون آن زمان ما با پسرعموهایمان در بسیج محل عضو بودیم و به اردوهای آن‌ها خیلی علاقه‌مند بودیم، هنگام اردو از شدت علاقه حتی شب قبل از آن خوابمان نمی‌برد، تا مبادا اردو را از دست بدهیم یا اینکه خودمان به نحوی بیدار می‌شدیم. زمانی که از ایشان می‌خواستیم ما را برای نماز بیدار کنند، می‌گفتند چطور وقتی که می‌خواهید به اردو بروید، آنقدر علاقه دارید که خودتان بیدار می‌شوید، اما برای نماز می‌گویید ما را بیدار کنید. این مقایسه و این تلنگر را برای ما داشتند که این دو حالت را مقایسه کنیم. پس، در عین حال که به ما تحمیل نمی‌کردند، اینچنین برخوردهایی را هم با ما داشتند که زمینه تدبیر و تفکر و سنجش و تعقل را در ما ایجاد می‌کردند و رها نبودیم.

این موضوع نه فقط در مسائل مذهبی، بلکه در مسئله‌ای مثل خرید نان برای منزل یادم می‌آید که گاهی با اخوی صبح‌ها برای این کار دعوا داشتیم. وقتی ایشان این حالت را می‌دیدند، بدون اینکه به ما تذکر بدهند یا تحمیل کنند، وقتی درگیری ما را می‌دیدند، بدون اینکه با ما درگیر شوند، خودشان عبا به دوش می‌انداختند و به نانوا می‌رفتند و ما که محبت پدر را چشیده بودیم، این موضوع برایمان سخت بود و این نکته خیلی مهمی است که عامل محبت را ایشان به‌کار می‌گرفتند تا ما به کار خودمان و آثار و پیامدهای کارمان فکر کنیم و ترس از دست دادن محبت پدر عامل کنترلی برای ما می‌شد، چه در مسائل اجتماعی و چه در مسائل مذهبی.

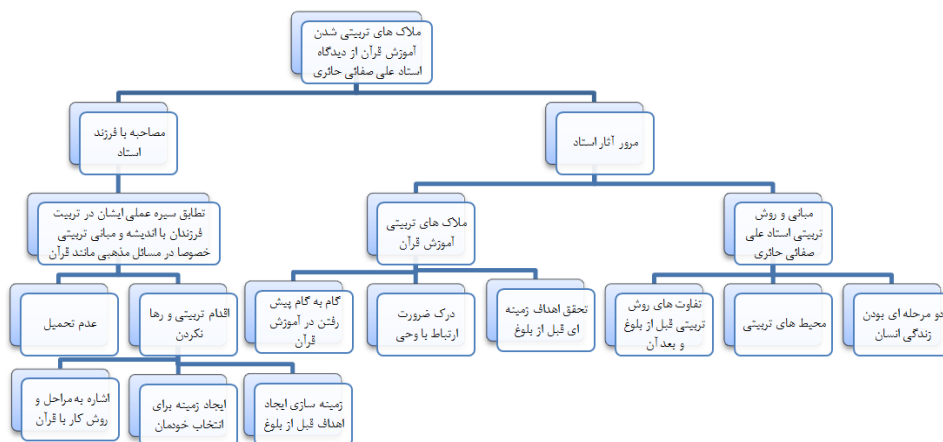
ایشان برای قرآن هم همین‌گونه بودند، مثلاً ما مدرسه می‌رفتیم و قرآن یاد می‌گرفتیم. در آن زمان با ما مراحل کار با قرآن را مطرح می‌کردند، مثلاً می‌گفتند یک مرحله این است که شما اول بخوانید، روان بخوانید و با متن قرآن بدون ترجمه و مفاهیم، انس بگیرید. یادم است که قبل از بلوغم، جایی می‌رفتیم و به دوستشان که همراه ایشان بود، با اشاره به ما می‌گفتند که من وقتی هم‌سن این بچه‌ها بودم، بارها قرآن را خوانده بودم، فکر می‌کنم که گفتند بیش از ۳۰۰ بار. حتی برای انتخاب دوست هم تلنگرهایی

می‌زدند که روی ما اثرگذار بود. چون ایشان جایگاه پدری و تربیت را برای خودش و ما کاملاً ایجاد کرده بود. به خاطر این جایگاه، از ایشان اثر می‌گرفتیم.

بنابراین، ایشان از نقاط ضعف ما استفاده می‌کردند و غیر مستقیم زمینه‌های فکری ما را فراهم می‌کردند تا خودمان انتخاب کنیم و فشار هم به ما نمی‌آوردند، یعنی زمینه‌سازی می‌کردند تا با تحقق اهداف قبل از بلوغ، بتوانیم انتخاب کنیم.

ما خیلی دوست داشتیم با ایشان مهمانی برویم و در جمع دوستان پدر باشیم. در دوره‌ای که کمی هم بزرگ‌تر شده بودیم و نوجوان بودیم، ایشان از این موضوع برای افزایش شخصیت ما استفاده می‌کردند، یعنی اگر کسی پدر را دعوت می‌کرد و ما هم می‌خواستیم با ایشان همراه شویم، ایشان می‌گفتند که پرسید شما هم دعوت هستید یا نه؟ و بعد از دوست پدرمان می‌پرسیدیم و ایشان می‌گفت شما هم تشریف بیاورید و اینگونه ما احساس می‌کردیم که خودمان وزنه‌ای هستیم که باید جداگانه دعوت شویم و اینگونه به ما شخصیت می‌دادند.

بنابراین، در کار کردن با افراد، ضمن رعایت مراحل تربیت توسط مربی، بعد از ایجاد زمینه‌ها، مربی می‌تواند به متری شناخت بدهد و دین و مذهب را برای او مطرح کند» (صفائی حائری، ۱۳۹۹).



نمودار شماره ۱- جمع‌بندی یافته‌های پژوهش

۸. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارائه ملاک‌های تربیتی آموزش قرآن از نگاه استاد علی صفائی حائری تدوین شد. کاوش در آثار ایشان نشان داد مبانی تربیتی در روش‌های تربیتی ما مؤثرند و در صورتی که آموزش

قرآن بخشی از برنامه تربیت دینی ما باشد، لازم است بر اساس مبانی و روش‌های صحیح تربیتی پیش برویم.

ایشان با تکیه بر سه مبنای مهم تربیتی‌شان که عبارتند از: دو مرحله‌ای بودن زندگی انسان، نقش محیط‌های تربیتی و تفاوت روش تربیتی قبل و بعد از بلوغ؛ ملاک‌هایی را در تربیت دینی مطرح می‌کنند که این ملاک‌ها برای آموزش قرآن نیز به عنوان بخشی از معارف دین قابل تطبیق هستند.

بنابراین، مبانی تحقق اهداف زمینه‌ای قبل از بلوغ، درک ضرورت وحی و گام به گام پیش رفتن در آموزش قرآن، ملاک‌هایی برای تربیتی شدن آموزش قرآن بوده و در صورت فقدان این ملاک‌ها، فرآیند آموزش قرآن به هر اندازه جذاب باشد، اما با تهدید اندیشه‌های مخالف روبه‌رو است. به همین دلیل لازم است در تمامی مراکزی که قرآن آموزش داده می‌شود، به این ملاک‌ها توجه شود، چرا که عدم توجه به آن‌ها موجب عدم تحقق اهداف ما در زمینه کشف معارف قرآن و عمل به آن‌ها خواهد شد.

این ملاک‌ها در سیره عملی استاد نیز قابل مشاهده و تطبیق است. بنابر اظهارات فرزند محترم استاد صفائی حائری، سیره عملی ایشان با آنچه در آثار و گفتار ایشان قابل دستیابی است، مطابق بوده و ایشان در طول عمر بابرکتشان، سیره عملی مشابهی با مبانی و نظرات تربیتی‌شان داشته‌اند.

— منابع —

قرآن کریم.

- اخوان مقدم، زهره؛ پیرایش مقدم، فاطمه (۱۳۹۴). آموزش مفاهیم و تفسیر قرآن با استفاده از تکنولوژی آموزشی و روانشناسی رنگ‌ها. *نوآوری آموزشی*، ۱۴(۴)، ص ۳۸-۵۹.
- شمس، بهنام (۱۳۸۶). آموزش قرآن به روش مسابقه. *رشد آموزش قرآن*، ۴(۴)، ص ۲۶-۲۹.
- صفایی حائری، موسی (۱۳۹۹/۰۹/۲۳). *مصاحبه محقق با حجت الاسلام موسی صفایی حائری پیرامون سیره تربیتی استاد علی صفایی حائری در آموزش قرآن*. قم: موسسه ليله القدر.
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۶). *تطهیر با جاری قرآن: تفسیر جزء سی ام*. چاپ دوم. قم: ليله القدر، ج ۱.
- صفایی حائری، علی (۱۳۹۲). *روش برداشت از قرآن*. چاپ هشتم. قم: ليله القدر.
- صفایی حائری، علی (۱۳۹۵ الف). *انسان در دو فصل*. چاپ نهم. قم: ليله القدر.
- صفایی حائری، علی (۱۳۹۵ ب). *تربیت کودک*. چاپ هشتم. قم: ليله القدر.
- فریدونی، محمدحسین (۱۳۸۴). *تأملی در آموزش عمومی قرآن*. *رشد آموزش قرآن*، ۳(۸)، ص ۱۵-۱۰.